Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار		صفحات	۱-۱۰

حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر؛ تحلیل تعاملات و تعارضات در پرتو توسعه و انتقال فناوری

علیرضا عصمت، زینب عصمتی و آرمین امینی

دانشجوی گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران .

گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

حقوق مالکیت فکری در دهه‌های اخیر از قلمروی محدود به حقوق خصوصی و تجارت بین‌الملل فراتر رفته و به حوزه‌ای پیوندخورده با حقوق بشر، توسعه اقتصادی، دسترسی به دانش، نوآوری و انتقال فناوری تبدیل شده است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه حقوق مالکیت فکری در نظام بین‌المللی حقوق بشر و تحلیل نحوه تنظیم رابطه آن با سایر حقوق و الزامات توسعه است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از روش مطالعه اسنادی انجام شده و با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی، قوانین و مقررات داخلی، آثار حقوقی و پژوهش‌های تخصصی، ابتدا مبانی مفهومی مالکیت فکری و ابعاد اقتصادی و اخلاقی آن را بررسی می‌کند و سپس ارتباط این حقوق را با حقوق بشر، حقوق رقابت، موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS) و انتقال فناوری مورد تحلیل قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت از مالکیت فکری، در صورت طراحی نهادی متناسب با سطح توسعه اقتصادی و ظرفیت فناورانه کشورها، می‌تواند به تقویت نوآوری، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند؛ اما حمایت مطلق و یکنواخت از حقوق انحصاری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، ممکن است با دسترسی به دانش، آموزش، پژوهش، مشارکت فرهنگی و فرایند یادگیری فناورانه در تعارض قرار گیرد. تجربه کره جنوبی نیز نشان می‌دهد که رابطه میان حمایت از مالکیت فکری و توسعه، خطی و یکسان نیست و به عواملی همچون سطح توسعه اقتصادی، ظرفیت جذب داخلی، ماهیت فناوری، سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و سیاست‌های انتقال فناوری وابسته است. از منظر حقوق بشر، حمایت از منافع مادی و اخلاقی ناشی از تولیدات علمی، ادبی و هنری باید در چارچوبی متوازن تفسیر شود؛ چارچوبی که ضمن حفظ انگیزه آفرینش و نوآوری، از تبدیل انحصار قانونی به مانعی نامتناسب برای دسترسی عمومی به دانش جلوگیری کند. بر این اساس، برای نظام حقوقی ایران، حرکت از حمایت پراکنده و بعضاً ناکارآمد به سوی نظامی منسجم، متناسب و توسعه‌گرا، همراه با تقویت ضمانت اجراها، سازوکارهای حل اختلاف و سیاست‌های انتقال فناوری، ضرورتی اساسی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، حقوق بشر، حقوق مالکیت معنوی، TRIPS، انتقال فناوری، توسعه، ایران.

طبقه‌بندی : JEL فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

intellectual property rights and human rights; Analysis of interactions and conflicts in the light of technology development and transfer

Abstract

In recent decades, intellectual property rights have gone beyond a realm limited to private rights and international trade, and have become an area linked to human rights, economic development, access to knowledge, innovation, and technology transfer. The main problem of this research is to explain the place of intellectual property rights in the international human rights system and to analyze how to regulate its relationship with other rights and development requirements. The current research was carried out with a descriptive-analytical approach and using the document study method, and by using international documents, domestic laws and regulations, legal works and specialized researches, it first examines the conceptual foundations of intellectual property and its economic and ethical dimensions, and then analyzes the relationship of these rights with human rights, competition rights, the Agreement on Commercial Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS) and technology transfer. The findings show that the support of intellectual property, in the case of an institutional design appropriate to the level of economic development and technological capacity of countries, can help strengthen innovation, investment, technology transfer and the development of a knowledge-based economy; But absolute and uniform protection of exclusive rights, especially in developing countries, may conflict with access to knowledge, education, research, cultural participation and technological learning process. South Korea's experience also shows that the relationship between intellectual property protection and development is not linear and dependent on factors such as the level of economic development, domestic absorption capacity, the nature of technology, human capital, research and development, and technology transfer policies. From the perspective of human rights, the protection of material and moral interests resulting from scientific, literary and artistic productions must be interpreted in a balanced framework; A framework that, while maintaining the motivation for creation and innovation, prevents legal monopoly from becoming a disproportionate barrier to public access to knowledge. Based on this, for Iran's legal system, moving from scattered and sometimes ineffective support to a coherent, proportionate and development-oriented system, along with strengthening enforcement guarantees, dispute resolution mechanisms, and technology transfer policies, is considered a fundamental necessity.

Keywords: Intellectual property rights, Human rights, Intellectual property rights, TRIPS, Technology transfer, Development, Iran.

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

متن مقاله

تحولات اقتصادی و فناورانه معاصر، جایگاه حقوق مالکیت فکری را در ساختار حقوقی و اقتصادی بین‌المللی به‌طور اساسی دگرگون کرده است. حرکت اقتصاد جهانی از الگوی تولید مبتنی بر کالاهای مادی به اقتصاد دانش‌محور، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه اینترنت و کاهش محدودیت‌های ناشی از مرزهای سرزمینی در گردش اطلاعات، موجب شده است که اختراعات، آثار ادبی و هنری، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، نرم‌افزارها و دانش فنی به بخش مهمی از سرمایه و مزیت رقابتی کشورها و بنگاه‌ها تبدیل شوند. در چنین شرایطی، مالکیت فکری دیگر صرفاً مجموعه‌ای از قواعد مربوط به رابطه صاحب حق با یک اثر یا اختراع نیست، بلکه با سیاست صنعتی، تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری، رقابت، توسعه علمی و فناوری و حقوق بنیادین اشخاص ارتباط پیدا کرده است. گسترش این حوزه از یک سو ضرورت حمایت مؤثر از پدیدآورندگان و سرمایه‌گذاران را افزایش داده و از سوی دیگر، پرسش‌های مهمی را درباره حدود و آثار این حمایت بر منافع عمومی، دسترسی به دانش و توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح کرده است (امانی، ۱۳۸۳؛ حبیبی‌مجنده، ۱۳۹۴).

مسئله بنیادی آن است که حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند در خلأ و جدا از سایر حقوق و اهداف اجتماعی تحلیل شود. حق انحصاری پدیدآورنده یا صاحب اختراع برای بهره‌برداری اقتصادی از اثر، بر منطقی روشن استوار است؛ زیرا ایجاد انگیزه برای خلق، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و جبران هزینه‌ها و ریسک‌های آفرینش فکری، بدون نوعی حمایت حقوقی دشوار خواهد بود. با این حال، همین حق انحصاری ممکن است در شرایطی با منافع عمومی، آزادی علمی و فرهنگی، حق دسترسی به دانش، رقابت و الزامات توسعه تعارض پیدا کند. اهمیت این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که تفاوت سطح توسعه اقتصادی و فناوری میان کشورها در نظر گرفته شود؛ زیرا سیاست مالکیت فکری که در یک اقتصاد پیشرفته می‌تواند آثار مثبت ایجاد کند، لزوماً در یک کشور در حال توسعه همان نتایج را به همراه نخواهد داشت (Blakeney, ۱۹۹۶). بنابراین، مسئله اساسی نه نفی حمایت از مالکیت فکری، بلکه تعیین حدود، مبانی و نحوه اعمال آن در شبکه‌ای از حقوق و اهداف عمومی است.

از این منظر، رابطه میان مالکیت فکری و حقوق بشر را باید رابطه‌ای دووجهی دانست. از یک سو، پدیدآورنده به‌عنوان صاحب یک آفرینش فکری از منافع اقتصادی و اخلاقی آن برخوردار است و حمایت از این منافع با کرامت انسانی، آزادی آفرینش و شخصیت فکری ارتباط دارد؛ از سوی دیگر، جامعه نیز حق دارد از دستاوردهای علمی، فرهنگی و فناورانه بهره‌مند شود. بنابراین، نظام مطلوب مالکیت فکری باید میان حمایت از خلاقیت و نوآوری و تأمین منفعت عمومی تعادل برقرار کند. ادبیات حقوقی نیز بر همین ضرورت تأکید دارد و شناسایی مالکیت فکری در چارچوب حقوق بشر را با لزوم رعایت سایر حقوق بشری همراه می‌داند (امیرارجمند و حبیبی‌مجنده، ۱۳۸۴؛ حبیبی‌مجنده، ۱۳۹۴). بر این اساس، موضوع حاضر صرفاً اثبات وجود حق مالکیت فکری نیست، بلکه تعیین قلمرو مشروع این حق و نحوه تعامل آن با سایر حقوق و الزامات توسعه است.

۲. مسئله پژوهش، پرسش و روش تحقیق

مسئله اصلی پژوهش حاضر، تعیین جایگاه حقوق مالکیت فکری در نظام بین‌المللی حقوق بشر و بررسی نحوه تعامل یا تعارض آن با سایر حقوق و اهداف توسعه‌ای است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که اسناد حقوق بشر، مقررات تجاری بین‌المللی و نظام‌های حقوقی داخلی، هر یک بخشی از رابطه میان مالکیت فکری و منافع عمومی را تنظیم کرده‌اند، اما جمع میان حمایت از حقوق انحصاری، دسترسی به دانش، انتقال فناوری و توسعه اقتصادی نیازمند چارچوبی منسجم است. از این رو، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه چگونه می‌توان میان حمایت از حقوق انحصاری مالکیت فکری، الزامات حقوق بشر و نیازهای توسعه و انتقال فناوری توازن ایجاد کرد و چه اصولی می‌تواند برای اصلاح رویکرد حقوقی ایران راهگشا باشد؟ پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی هم‌زمان مبانی حقوقی مالکیت فکری، جایگاه آن در اسناد حقوق بشر، آثار اقتصادی و

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

توسعه‌ای حمایت از این حقوق و تجربه کشورهایی است که مسیر صنعتی شدن و انتقال فناوری را طی کرده‌اند.

پژوهش حاضر از روش توصیفی ـ تحلیلی و مطالعه اسنادی بهره می‌گیرد. اطلاعات مورد استفاده از قوانین و مقررات، اسناد بین‌المللی، آثار حقوقی، مقالات علمی و مطالعات تطبیقی استخراج و در قالب یک تحلیل حقوقی و توسعه‌ای سازمان‌دهی شده است. در بخش مربوط به انتقال فناوری، تجربه کره جنوبی به‌عنوان یک مطالعه موردی مورد توجه قرار گرفته است تا مشخص شود که اثرگذاری نظام مالکیت فکری بر توسعه، وابسته به چه متغیرهایی است. بنابراین، پژوهش حاضر یک مطالعه میدانی یا آماری نیست، بلکه بر تحلیل حقوقی و اقتصادی اسناد و ادبیات موجود استوار است و هدف آن ارائه چارچوبی منسجم برای فهم رابطه میان مالکیت فکری، حقوق بشر و توسعه است.

۳. مبانی مفهومی و حقوقی مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که از آفرینش‌ها و محصولات فکری در حوزه‌های علمی، ادبی، هنری و صنعتی حمایت می‌کند. این حوزه را معمولاً می‌توان به دو قلمرو بزرگ مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری تقسیم کرد. اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری و برخی حقوق مشابه در قلمرو مالکیت صنعتی قرار دارند و آثار ادبی، علمی و هنری و حقوق مرتبط با پدیدآورندگان در قلمرو مالکیت ادبی و هنری جای می‌گیرند. در این نظام، موضوع حق الزاماً مال مادی و محسوس نیست، بلکه ممکن است یک اثر، اختراع، نشان تجاری یا دانش فنی باشد که قابلیت استفاده، بهره‌برداری و انتقال اقتصادی دارد. همین ویژگی باعث شده است که مالکیت فکری از حیث ماهیت و آثار، با مالکیت عینی کلاسیک تفاوت داشته باشد و نیازمند قواعد اختصاصی برای ایجاد، انتقال، حمایت و انقضای حقوق باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶؛ میرحسینی، ۱۳۸۴؛ WIPO, ۲۰۰۴).

یکی از ویژگی‌های بنیادین مالکیت فکری، جمع میان بعد اقتصادی و بعد اخلاقی است. بعد اقتصادی شامل حق بهره‌برداری، نشر، تکثیر، فروش، انتقال، اعطای مجوز و تحصیل منافع مالی است، در حالی که بعد اخلاقی با انتساب اثر به پدیدآورنده و حمایت از پیوند شخصیت او با آفرینش فکری ارتباط دارد. این دوگانگی، اهمیت مالکیت فکری را در حوزه حقوق بشر افزایش می‌دهد؛ زیرا پدیدآورنده هم به‌عنوان دارنده یک منفعت اقتصادی و هم به‌عنوان انسانی خلاق و صاحب شخصیت فکری مورد حمایت قرار می‌گیرد. در عین حال، محدود و زمان‌مند بودن بخش مهمی از حقوق اقتصادی نشان می‌دهد که نظام مالکیت فکری در ذات خود برای ایجاد انحصار دائمی طراحی نشده است، بلکه هدف آن برقراری توازن میان منافع خصوصی و منافع اجتماعی در یک بازه زمانی مشخص است (کاتوزیان، ۱۳۸۹؛ حکمت‌نیا و موحدی ساوجی، ۱۳۹۴).

اسناد بین‌المللی نیز مصادیق متنوعی از مالکیت فکری را شناسایی کرده‌اند. کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری، آثار ادبی، هنری و علمی، اجراهای هنرمندان، اختراعات، کشفیات علمی، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری و سایر حقوق ناشی از فعالیت فکری را در زمره موضوعات حمایت قرار می‌دهد (WIPO, ۱۹۹۵). این گستردگی نشان می‌دهد که مالکیت فکری یک حوزه چندلایه است که در مرز میان حقوق خصوصی، حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل قرار گرفته و به همین دلیل، بررسی آن بدون توجه به سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و حقوق بشری، ناقص خواهد بود.

۴. جایگاه مالکیت فکری در نظام بین‌المللی حقوق بشر

رابطه مالکیت فکری با حقوق بشر از شناسایی منافع مادی و اخلاقی ناشی از تولیدات علمی، ادبی و هنری آغاز می‌شود. حمایت از این منافع در کنار آزادی اندیشه، مشارکت در حیات فرهنگی و پیشرفت علمی معنا پیدا می‌کند و نشان می‌دهد که حمایت از پدیدآورنده صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست. امیرارجمند و حبیبی‌مجنده (۱۳۸۴) با بررسی جایگاه مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، بر شناسایی حق بهره‌مندی از منافع مادی و اخلاقی ناشی از تولیدات علمی، ادبی و هنری در اسناد حقوق بشر تأکید کرده‌اند و در عین حال، محدود بودن این حمایت به رعایت سایر حقوق بشری را ضروری دانسته‌اند. بنابراین، شناسایی مالکیت فکری در قلمرو حقوق بشر را نمی‌توان به معنای مطلق و غیرقابل تحدید

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

بودن همه اشکال حمایت از این حقوق دانست.

این ملاحظه، مفهوم تناسب را در تحلیل مالکیت فکری برجسته می‌کند. هرگاه حمایت از حقوق انحصاری به اندازه‌ای گسترش یابد که دسترسی عمومی به دانش، آموزش، پژوهش یا مشارکت فرهنگی را بدون ضرورت محدود کند، تعارض میان حقوق شکل می‌گیرد. در مقابل، حمایت بسیار ضعیف نیز می‌تواند انگیزه‌های اقتصادی و اخلاقی پدیدآورندگان را تضعیف کند و در بلندمدت به کاهش سرمایه‌گذاری در تولید دانش و نوآوری منجر شود. بنابراین، معیار مناسب، حمایت حداکثری یا سلب حمایت نیست، بلکه حمایت متوازن و متناسب است. چنین رویکردی با تحلیل حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک حق درون‌شبکه‌ای سازگار است؛ حقی که در کنار سایر حقوق قرار دارد و حدود آن باید با توجه به کارکرد اجتماعی و اهداف مشروع حقوقی تعیین شود (حبیبی‌مجنده، ۱۳۹۴).

از منظر نظری، مالکیت فکری نه خارج از نظام حقوق بشر قرار دارد و نه می‌توان تمام اجزای آن را با یک قاعده واحد ارزیابی کرد. منافع اقتصادی پدیدآورنده، حقوق اخلاقی او، حق جامعه برای استفاده از دانش، آزادی تحقیق، مشارکت فرهنگی و نیازهای توسعه‌ای، همگی در یک ساختار به‌هم‌پیوسته قرار می‌گیرند. چالش اصلی، طراحی سازوکارهایی است که امکان همزیستی این منافع را فراهم کند. در نتیجه، مالکیت فکری باید از یک «حق انحصاری مطلق» به یک «نهاد حقوقی دارای کارکرد اجتماعی» تبدیل شود؛ نهادی که علاوه بر حمایت از دارنده حق، به نقش خود در رشد علم، فرهنگ و اقتصاد نیز پاسخ دهد.

۵. تعامل و تعارض مالکیت فکری با حقوق رقابت و منافع عمومی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های بروز تعامل و تعارض، رابطه میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری است. حقوق رقابت با هدف جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت اقتصادی، حفظ کارکرد بازار و جلوگیری از انحصارهای زیان‌بار شکل گرفته است، در حالی که مالکیت فکری برای دستیابی به هدف تشویق نوآوری، حقوق انحصاری مشخصی را در اختیار صاحب حق قرار می‌دهد. در نتیجه، دو حوزه در ظاهر دارای جهت‌گیری متفاوت هستند؛ اما در تحلیل دقیق‌تر، می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

انحصار قانونی زمانی موجه است که برای جبران هزینه و ریسک آفرینش فکری و ایجاد انگیزه برای نوآوری ضرورت داشته باشد، ولی هنگامی که از هدف اولیه خود فاصله گرفته و به حذف غیرضروری رقبا یا کنترل نامتناسب بازار منجر شود، مداخله قواعد رقابت قابل توجیه خواهد بود (خشنودی، ۱۳۹۳).

همین منطق در رابطه مالکیت فکری و منافع عمومی نیز قابل اعمال است. هرچه ارزش اقتصادی و راهبردی یک دانش یا فناوری افزایش یابد، آثار اعمال انحصار بر جامعه گسترده‌تر خواهد شد. از این رو، نظام حقوقی باید میان منافع خصوصی دارنده حق و منافع عمومی، به‌ویژه در حوزه‌هایی که دانش و فناوری نقش حیاتی دارند، تعادل ایجاد کند. مدت محدود حمایت، استثنائات قانونی، ضوابط بهره‌برداری، مجوزهای قراردادی و ابزارهای تنظیم رقابت از جمله سازوکارهایی هستند که می‌توانند این توازن را برقرار کنند. در این چارچوب، حق انحصاری را باید ابزار حمایت تلقی کرد، نه هدف نهایی نظام مالکیت فکری.

۶. TRIPS و مسئله تعادل میان حمایت و توسعه

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS) یکی از مهم‌ترین عوامل در بین‌المللی شدن قواعد مالکیت فکری محسوب می‌شود. این موافقتنامه با هدف ایجاد حداقل استانداردهای مشترک حمایت از حقوق مالکیت فکری و هماهنگ‌سازی قواعد در چارچوب تجارت جهانی شکل گرفته است و اصولی مانند رفتار ملی و رفتار دولت کامله‌الوداد را در تنظیم روابط اعضا مورد توجه قرار می‌دهد (Blakeney, ۱۹۹۶). از دیدگاه حقوقی، وجود این استانداردها می‌تواند به کاهش نااطمینانی، افزایش قابلیت پیش‌بینی و تسهیل مبادلات بین‌المللی کمک کند؛ اما از منظر توسعه، مسئله پیچیده‌تر است، زیرا کشورهای عضو از نظر ظرفیت اقتصادی، علمی و فناورانه در سطوح یکسان قرار ندارند.

حمایت قوی از مالکیت فکری می‌تواند برای اقتصادهایی که از نظام تحقیق و توسعه قدرتمند برخوردارند، ابزار مهمی برای حفاظت از بازده سرمایه‌گذاری و تقویت جایگاه تجاری باشد. در مقابل، کشورهایی که هنوز

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

در مراحل اولیه توسعه فناورانه قرار دارند، برای ارتقای ظرفیت خود به دسترسی، یادگیری، جذب و بومی‌سازی دانش نیازمندند. اگر استانداردهای حمایتی به نحوی اعمال شوند که این فرایندهای یادگیری را بیش از اندازه محدود کنند، ممکن است نتیجه‌ای معکوس ایجاد شود. از این رو، مسئله اصلی در ارتباط با TRIPS را نباید در اصل وجود حمایت، بلکه در نحوه تطبیق استانداردهای حمایتی با تفاوت‌های توسعه‌ای کشورها جست‌وجو کرد. سیاست حقوقی مناسب باید ضمن احترام به تعهدات بین‌المللی، ظرفیت سیاست‌گذاری ملی برای تقویت توان داخلی و استفاده منطقی از انعطاف‌های حقوقی را نیز حفظ کند.

از منظر حقوق بشر نیز همین ملاحظه اهمیت دارد؛ زیرا دسترسی به دانش، آموزش، پژوهش و پیشرفت علمی، بخشی از زیرساخت‌های تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین، حمایت از مالکیت فکری باید به گونه‌ای طراحی شود که حمایت از حق خصوصی، مسیر تحقق سایر حقوق را به‌طور نامتناسب مسدود نکند. چنین رویکردی به معنای نفی حمایت از دارایی‌های فکری نیست، بلکه بر ضرورت تنظیم دامنه حمایت بر اساس هدف اجتماعی و رعایت اصل تناسب تأکید دارد (امیرارجمند و حبیبی‌مجنده، ۱۳۸۴؛ حبیبی‌مجنده، ۱۳۹۴).

۷. مالکیت فکری و انتقال فناوری؛ تحلیل تجربه کره جنوبی

تجربه کره جنوبی نمونه‌ای مهم برای فهم رابطه میان مالکیت فکری، انتقال فناوری و توسعه صنعتی است. شواهد موجود نشان می‌دهد که تأثیر نظام مالکیت فکری بر توسعه ثابت و یکسان نیست و تابعی از سطح توسعه اقتصادی، نوع فناوری، پیچیدگی تولید و ظرفیت جذب داخلی است. در مراحل اولیه صنعتی شدن، بخش مهمی از یادگیری فناورانه از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای، مهندسی معکوس، دسترسی به اطلاعات فنی، انتقال رسمی و غیررسمی فناوری و یادگیری از طریق انجام شکل گرفته است. در ادامه، با تقویت ظرفیت علمی، انسانی و صنعتی، اهمیت تحقیق و توسعه داخلی، ثبت اختراع و قراردادهای رسمی انتقال فناوری افزایش یافته و مالکیت فکری به‌تدریج نقش مهم‌تری در حفاظت از نوآوری داخلی پیدا کرده است (Blakeney, ۱۹۹۶).

اهمیت تجربه کره جنوبی در آن است که نشان می‌دهد رابطه میان مالکیت فکری و توسعه را نمی‌توان یک رابطه خطی و یک‌سویه فرض کرد. در مرحله‌ای که دانش فنی موجود برای یادگیری و بومی‌سازی اهمیت اساسی دارد، دسترسی به فناوری و توسعه توانایی جذب ممکن است از شدت انحصار اهمیت بیشتری داشته باشد. اما هنگامی که بنگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی داخلی به سطح بالاتری از تولید دانش و نوآوری می‌رسند، حمایت قوی‌تر از حقوق مالکیت فکری می‌تواند به بازگشت سرمایه، افزایش قدرت چانه‌زنی و تشویق سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه کمک کند. بنابراین، شدت و شکل مطلوب حمایت باید متناسب با مرحله توسعه باشد و سیاست‌گذار نمی‌تواند بدون توجه به ظرفیت واقعی اقتصاد، یک نسخه واحد برای همه دوره‌ها و بخش‌ها تجویز کند.

تجربه کره جنوبی همچنین نشان می‌دهد که انتقال فناوری صرفاً محصول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیست. آموزش گسترده، تربیت نیروی انسانی، بازگشت متخصصان، ایجاد مؤسسات پژوهشی، توسعه تحقیق و توسعه بنگاه‌ها و همکاری میان دولت و صنعت، در شکل‌گیری ظرفیت جذب نقش اساسی داشته‌اند. این عوامل به شرکت‌های داخلی امکان داده‌اند که فناوری واردشده را صرفاً مصرف نکنند، بلکه آن را جذب، اصلاح و در نهایت به نوآوری داخلی تبدیل نمایند. بنابراین، اگر هدف حقوق مالکیت فکری در یک اقتصاد در حال توسعه، تقویت نوآوری و انتقال فناوری باشد، این هدف باید هم‌زمان با سیاست‌های آموزشی، صنعتی و پژوهشی دنبال شود؛ در غیر این صورت، حتی قواعد حقوقی کارآمد نیز نمی‌توانند به‌تنهایی شکاف فناورانه را کاهش دهند.

۸. تعاملات و تعارضات مالکیت فکری با حقوق بشر

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعارض، رابطه میان حق انحصاری و حق دسترسی به دانش است. پدیدآورنده یا دارنده حق برای مدت معینی از حمایت اقتصادی برخوردار می‌شود تا انگیزه لازم برای خلق و سرمایه‌گذاری ایجاد گردد؛ در مقابل، جامعه نیز حق دارد از انتشار و انباشت دانش بهره‌مند شود. در نتیجه، منطق حقوق مالکیت فکری را باید نوعی مبادله اجتماعی تلقی کرد که در آن جامعه در برابر اعطای انحصار

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

موقت، از گسترش دانش و نهایتاً ورود دستاورد به قلمرو عمومی منتفع می‌شود. محدود بودن مدت حمایت از حقوق اقتصادی و وجود استثنائات قانونی را نیز باید در همین چارچوب تحلیل کرد، نه به‌عنوان عدول از فلسفه حمایت.

دومین عرصه مهم، ارتباط مالکیت فکری با حق توسعه است. توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار بدون سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه، فناوری و گردش دانش امکان‌پذیر نیست. بنابراین، مالکیت فکری زمانی با حق توسعه هم‌راستا خواهد بود که به افزایش ظرفیت نوآوری، انتقال فناوری و شکل‌گیری بازارهای دانش‌بنیان کمک کند. اگر نظام حمایتی فقط به حفاظت از منافع صاحبان خارجی حق محدود شود و ظرفیت یادگیری و بومی‌سازی را نادیده بگیرد، ممکن است به جای کاهش شکاف فناورانه، آن را تشدید کند. در نتیجه، سیاست‌گذار باید میان حمایت از صاحب حق و ضرورت ایجاد فضای مناسب برای توسعه ظرفیت‌های داخلی تعادل برقرار سازد.

سومین عرصه، ارتباط مالکیت فکری با آزادی علمی و فرهنگی است. علم و فرهنگ بر گردش ایده‌ها، آموزش، نقد و مشارکت اجتماعی استوارند و هرگونه محدودیت بر این فرایندها باید توجیه حقوقی و اجتماعی داشته باشد. حمایت از مالکیت فکری نباید به گونه‌ای تفسیر شود که پژوهش، آموزش و مشارکت فرهنگی بیش از اندازه لازم محدود گردد. آنچه باید مورد حمایت قرار گیرد، خلاقیت و نوآوری است، نه ایجاد مانع ناموجه در برابر استفاده مشروع جامعه از دانش. اصل تناسب در این زمینه می‌تواند معیار مهمی برای تعیین حدود قابل قبول حمایت باشد (حکمت‌نیا و موحدی ساوجی، ۱۳۹۴).

چهارمین عرصه، رابطه مالکیت فکری با مصالح عمومی است. در برخی حوزه‌ها، آثار و فناوری‌ها صرفاً کالاهای خصوصی نیستند، بلکه با رفاه اجتماعی، توسعه علمی، فرهنگ و منافع عمومی ارتباط دارند. در چنین شرایطی، نظام حقوقی باید ابزارهایی برای حل تعارض و ایجاد توازن در اختیار داشته باشد. نتیجه آن است که مالکیت فکری یک حق مطلق و فرابخشی نیست، بلکه حقی قانونی، دارای کارکرد اجتماعی و قابل تنظیم در پرتو اهداف مشروع حقوقی است.

۹. ارزیابی جایگاه حقوق ایران

در حقوق ایران، طی دهه‌های گذشته قوانین و مقررات متعددی برای حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان، هنرمندان، مخترعان و سایر صاحبان دارایی‌های فکری تصویب شده است، اما ساختار حمایتی موجود همچنان با چالش‌هایی نظیر پراکندگی مقررات، عدم هماهنگی کامل با تحولات فناورانه و ضعف برخی ضمانت اجراها مواجه است (امانی، ۱۳۸۳؛ عابدین‌زاده، ۱۳۹۵). در حوزه آثار ادبی و هنری، قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان گام مهمی در شناسایی حقوق مادی و اخلاقی پدیدآورندگان برداشته است، اما توسعه فناوری‌های دیجیتال، گسترش مبادلات اطلاعاتی و افزایش ارزش دارایی‌های ناملموس، ضرورت بازنگری و روزآمدسازی چارچوب‌های حمایتی را افزایش داده است.

مسئله حقوق ایران فقط فقدان قانون نیست، بلکه مهم‌تر از آن، نبود انسجام کافی میان بخش‌های مختلف نظام مالکیت فکری و فاصله میان حمایت هنجاری و ضمانت اجرای مؤثر است. برای کشوری که هدف توسعه فناوری، تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان و حضور گسترده‌تر در بازارهای بین‌المللی را دنبال می‌کند، مالکیت فکری باید به‌عنوان بخشی از زیرساخت توسعه مورد توجه قرار گیرد. این امر مستلزم آن است که مقررات مربوط به ثبت، انتقال، مجوز بهره‌برداری، حل اختلاف، حمایت از اسرار تجاری، نرم‌افزارها و سایر دارایی‌های فکری، در یک ساختار منسجم کنار یکدیگر قرار گیرند و با سیاست‌های علم و فناوری و تجارت خارجی هماهنگ شوند (حبیبی‌مجنده، ۱۳۹۴؛ محمودی، ۱۳۹۱).

در عین حال، انطباق با استانداردهای بین‌المللی نباید به معنای حذف ملاحظات توسعه‌ای و حقوق بشری باشد. نظام حقوقی ایران می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و فناورانه کشور، نظامی ایجاد کند که در آن هم حقوق صاحبان اثر و سرمایه‌گذاران حمایت شود و هم زمینه برای آموزش، پژوهش، دسترسی به دانش و انتقال فناوری از بین نرود. در این مسیر، مطالعه تجربه کشورهای در حال توسعه و انتخاب تدریجی و هدفمند سیاست‌های

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

حمایتی می‌تواند از تحمیل هزینه‌های نامتناسب جلوگیری کند.

۱۰. تحلیل نهایی و یافته‌های پژوهش

یافته نخست آن است که جایگاه مالکیت فکری در نظام حقوق بشر ماهیتی دووجهی دارد؛ از یک سو، این حقوق ابزار حمایت از منافع مادی و اخلاقی پدیدآورندگان است و از سوی دیگر، باید به گونه‌ای تنظیم شود که با حقوق و منافع عمومی در تعارض نامتناسب قرار نگیرد. بنابراین، تحلیل مالکیت فکری بدون توجه به شبکه حقوق بشری و کارکرد اجتماعی آن، تصویر کاملی از این نهاد حقوقی ارائه نمی‌کند. یافته دوم آن است که تعامل و تعارض را نباید دو وضعیت کاملاً متقابل تلقی کرد؛ در بسیاری از موارد، حمایت از مالکیت فکری و حقوق بشر در یک جهت حرکت می‌کنند، زیرا حمایت از خلاقیت و شخصیت فکری انسان می‌تواند به رشد دانش و فرهنگ کمک نماید. تعارض زمانی آشکار می‌شود که شدت یا نحوه اعمال انحصار از حدود لازم برای تحقق هدف حمایتی فراتر رود.

یافته سوم آن است که رابطه میان مالکیت فکری و توسعه، مرحله‌ای و وابسته به ظرفیت‌های داخلی است. در مراحل ابتدایی، یادگیری، دسترسی به فناوری و ایجاد توانایی جذب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و در مراحل بعد، افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و شکل‌گیری نوآوری بومی، ضرورت حمایت قوی‌تر از مالکیت فکری را افزایش می‌دهد. یافته چهارم درباره ایران آن است که الگوی مناسب نه حمایت حداقلی است و نه تقلید کامل از نظام‌های خارجی، بلکه طراحی یک نظام متوازن و متناسب است که استانداردهای بین‌المللی را با نیازهای توسعه‌ای و ظرفیت‌های حقوقی داخلی جمع کند. در چنین الگویی، حقوق مالکیت فکری باید در کنار سیاست علمی، آموزشی، صنعتی و تجاری دیده شود و صرفاً به ثبت و حمایت صوری محدود نماند.

۱۱. نوآوری و ارزش افزوده پژوهش

نوآوری اصلی در آن است که مفاهیم مالکیت فکری، حقوق بشر، حقوق رقابت، TRIPS و انتقال فناوری را در چارچوب یک گزاره تحلیلی واحد به یکدیگر پیوند می‌دهد: حمایت از مالکیت فکری زمانی می‌تواند با حقوق بشر و توسعه سازگار باشد که متناسب، مرحله‌ای و مبتنی بر تعادل میان حق انحصاری و منفعت عمومی باشد. در این چارچوب، نه حمایت حداکثری به‌خودی‌خود مطلوب است و نه سلب یا تضعیف حمایت؛ معیار اساسی، تناسب میزان و شکل حمایت با هدف اجتماعی، سطح توسعه، ظرفیت فناورانه و نقش دانش در اقتصاد است. چنین نگرشی، مالکیت فکری را از یک مجموعه صرفاً انحصاری از حقوق به یکی از زیرساخت‌های توسعه دانش‌بنیان و تنظیم رابطه میان خلاقیت خصوصی و منفعت عمومی تبدیل می‌کند.

۱۲. نتیجه‌گیری

حقوق مالکیت فکری در نظام معاصر در نقطه تلاقی حقوق خصوصی، تجارت بین‌الملل، حقوق بشر، توسعه علمی و فناوری و سیاست عمومی قرار گرفته است. از این رو، پرسش اساسی درباره این حوزه دیگر صرفاً این نیست که آیا باید از مالکیت فکری حمایت کرد، بلکه باید پرسید چگونه می‌توان این حمایت را به نحوی طراحی کرد که هم انگیزه آفرینش و سرمایه‌گذاری را حفظ کند و هم به سایر حقوق و منافع عمومی لطمه نامتناسب وارد نکند. تحلیل حاضر نشان می‌دهد که شناسایی مالکیت فکری در چارچوب حقوق بشر از حمایت از منافع مادی و اخلاقی پدیدآورندگان آغاز می‌شود، اما در همان‌جا پایان نمی‌یابد؛ این حقوق باید در تعامل با آزادی علمی و فرهنگی، دسترسی به دانش، رقابت، توسعه و مصالح عمومی تفسیر و اجرا شود (امیرارجمند و حبیبی‌مجنده، ۱۳۸۴؛ حبیبی‌مجنده، ۱۳۹۴).

تحلیل TRIPS و تجربه کره جنوبی نیز نشان می‌دهد که حمایت از مالکیت فکری در همه کشورها و در همه مراحل توسعه آثار یکسانی ندارد. هرچه ظرفیت جذب، سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و توان تولید دانش در یک کشور افزایش یابد، نظام مالکیت فکری می‌تواند نقش مؤثرتری در حفاظت از نوآوری داخلی و افزایش قدرت اقتصادی ایفا کند؛ در مقابل، در مراحل ابتدایی توسعه، دسترسی به فناوری، یادگیری و انتقال دانش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، برای ایران، ایجاد یک نظام جامع و منسجم مالکیت فکری، تقویت ضمانت اجراهای مدنی و تجاری، توسعه

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

سازوکارهای تخصصی حل اختلاف، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تقویت انتقال فناوری و استفاده سنجیده از ظرفیت‌های حقوقی نظام تجارت بین‌المللی ضروری است. چنین سیاستی می‌تواند میان حمایت از پدیدآورنده و منافع عمومی توازن ایجاد کند و مالکیت فکری را از مجموعه‌ای پراکنده از قواعد به یکی از زیرساخت‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه فناورانه کشور تبدیل نماید.

۱۳. پیشنهادهای پژوهشی و سیاست‌گذاری

نخست، تدوین یا بازنگری قانون جامع مالکیت فکری با رویکردی هماهنگ‌کننده میان حقوق خصوصی، تجارت، حقوق بشر و سیاست علم و فناوری ضروری است. دوم، ضمانت اجراهای مدنی، تجاری و آیینی حقوق مالکیت فکری باید تقویت و سازوکارهای تخصصی و سریع حل اختلاف برای رسیدگی مؤثر به دعاوی این حوزه توسعه یابد. سوم، سیاست انتقال فناوری باید متناسب با سطح توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی طراحی شود و از اعمال یک الگوی واحد برای همه حوزه‌ها پرهیز گردد. چهارم، ظرفیت جذب فناوری از طریق آموزش، تحقیق و توسعه، تقویت زیرساخت‌های علمی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان افزایش یابد. پنجم، حدود و استثنائات حقوق مالکیت فکری با توجه به نیازهای آموزش، پژوهش، دسترسی به دانش و مشارکت فرهنگی با دقت بیشتری تنظیم شود. ششم، انجام مطالعات تطبیقی جدید درباره تجربه کشورهای در حال توسعه و بررسی امکان انطباق آن تجربه‌ها با ساختار حقوقی و اقتصادی ایران می‌تواند به طراحی یک نظام مالکیت فکری متوازن و توسعه‌گرا کمک کند.

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

منابع

امانی، تقی. (۱۳۸۳) قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری. تهران: انتشارات بهنامی.

امیرارجمند، اردشیر، و حبیبی‌مجنده، محمد. (۱۳۸۴). جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر. نامه مفید، ۱۱(۵۲) ۳–۲۴.

حبیبی‌مجنده، محمد. (۱۳۹۴) حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر؛ تعامل‌ها و تعارض‌ها. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

حکمت‌نیا، محمود، و موحدی ساوجی، محمد. (۱۳۹۴). جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری. در حسینعلی بای (ویراستار)، مباحثی از مالکیت فکری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خشنودی، رضا. (۱۳۹۳). تعامل میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری یا تعارض با قواعد عمومی قراردادها. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۸(۳)

عابدین‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۵) حمایت دولت‌ها از مالکیت معنوی در عرصه نظام حقوقی بین‌الملل. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۰) ضمان قهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶) دوره مقدماتی حقوق مدنی. تهران: انتشارات میزان.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹) اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان.

محمودی، اصغر. (۱۳۹۱). ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق اموال. دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۸(۱) ۹۴–۱۰۷.

میرحسینی، سیدحسن. (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی. تهران: نشر میزان.

نوروزی، علیرضا. (۱۳۸۱) حقوق مالکیت فکری، حق مؤلف و مالکیت صنعتی. تهران: نشر چاپار.

صفایی، سیدحسین. (۱۳۵۰). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۶)

شفیعی شکیب، مرتضی. (۱۳۸۱) حمایت از حق مؤلف؛ قوانین ملی و مقررات بین‌المللی. تهران: خانه کتاب.

Blakeney, M. (۱۹۹۶). Trade related aspects of intellectual property rights: A concise guide to the TRIPS agreement. London: Sweet and Maxwell.

WIPO. (۱۹۹۵). Convention establishing the World Intellectual Property Organization. Geneva: World Intellectual Property Organization.

WIPO. (۲۰۰۴). Intellectual property handbook: Policy, law and use (۲nd ed.). Geneva: World Intellectual Property Organization.